

تأثیرات جهانی شدن بر هویت قومی ایل قشقایی

عبد الکریم شیبانی، مهرزاد سرفرازی، الهام قوانلو

چکیده:

جهانی شدن که گویا فرآیندی ناگزیر و اجتناب ناپذیر است، جوامع مختلف را با چالش‌های متعددی روبه‌رو کرده است. از ابعاد مهم این رویارویی، وضعیت بحران زای اقلیت‌های قومی است. بحرانی که می‌تواند «تهدید» و یا «فرصت» تلقی شود.

مسأله بقا، زوال و احیای هویت قومی ایل قشقایی به عنوان یک اقلیت قومی در فرایند جهانی شدن همواره از دغدغه‌های ذهنی نگارنده بوده است.

در معرفی ایل قشقایی بایستی گفت که آنان مردمانی هستند که عمدتاً در جنوب ایران ساکن هستند و محدوده آنان از شمال به استان اصفهان و چهار محال بختیاری و از جنوب به سواحل خلیج فارس و از غرب به استان خوزستان و از شرق به استان کرمان محدود می‌شود. به طور کلی قلمرو قشقایی‌ها در ناحیه‌ای بین سواحل خلیج فارس و اصفهان قرار دارد و سلسله جبال زاگرس از میان سرزمین قشقایی‌ها می‌گذرد.

منابع هویت قشقایی عبارتند از: 1- زبان ترکی قشقایی 2- سنت 3- ایران 4- دین 5- مدرنیته اما در شرایط متفاوت زمانی و مکانی ممکن است یکی از این منابع در مرکز قرار گیرد و دیگری در حاشیه و همین باعث شود که تصور قشقایی‌ها از هویتشان متحول شود.

۱- فوق لیسانس علوم سیاسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد لارستان

۲- دانشجوی دکتری مدیریت منابع انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

۳- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

جهانی شدن¹ موضوعی بحث‌انگیز، چند بعدی و در عین حال مبهم است. ابهام مفهومی آن را باید در دو طرز تلقی « فرآیند تعمیمی » و « پروژه تحمیلی » جستجو کرد.²

با عنایت به دو رویکرد مزبور است که پژوهش حاضر سعی دارد دو نگرش خوش بینانه و بدبینانه به مقوله جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت قومی ایل قشقایی را تجزیه و تحلیل نماید. در رویکرد نخست، جهانی شدن نه تنها به تضعیف هویت قومی منجر نمی‌شود بلکه با حفظ آن به عنوان واسطه و میانجی میان خرده فرهنگ‌های قومی و فرهنگ جهانی، در صدد شکل دهی به آن بر اساس الگوی تعامل مبتنی بر هم جوشی فرهنگ‌ها و خارج ساختن آن از حالت تنگ و متصعب نژادی و قومی است. بر اساس رویکرد دوم، جهانی شدن هویت قومی را تضعیف می‌کند چرا که خواهان یکسان سازی فرهنگ‌ها و ادغام فرهنگ‌های بومی و محلی در فرهنگ جهانی مسلط است به گونه‌ای که هویت‌های فراملی و فروملی بر هویت قومی و ملی غالب و چیره شوند و فرهنگ استعلایی و تحمیلی غرب موجبات از خود بیگانگی فرهنگی و در هم ریختگی اجتماعی کشورهای جهان سوم را فراهم آورد.

پژوهش حاضر با تلقی هویت قومی قشقایی به عنوان شکل اولیه هویت جمعی و بعد روانشناختی تعلق افراد و اعضای این جامعه به باورها، انگاره‌ها، عقاید، ارزش‌ها، هنجارها، آیین‌ها، آداب و رسوم، نمادها، اسطوره‌ها و نیز ویژگی‌هایی که فرهنگ یک جامعه را از دیگر ملت‌ها و جوامع متمایز می‌سازد و با تلقی جهانی شدن به عنوان روندی تاریخی و دگرگونی مفهومی که تغییرات و تحولاتی را در برداشت‌ها، باورها، اندیشه‌ها و سلیقه‌های ملت‌ها به همراه دارد و دامنه آن هویت فرهنگی را نیز فرا گرفته است؛ در پاسخگویی به این سؤال اصلی است که جهانی شدن چه تأثیری را بر هویت قومی ایل قشقایی خواهد گذارد؟ به تبیین این فرضیه خواهد پرداخت که جهانی شدن موجب تقویت هویت ایل قشقایی خواهد شد.

¹ - Globalization

² - محمد رضا دهشیری، جهانی شدن و هویت ملی، فصلنامه هویت ملی، سال دوم، پاییز 1379، شماره 5، ص

با توجه به پذیرش این نکته که جهانی شدن و تغییر و تحول را در هویت‌های محلی ایجاد خواهد کرد، آثار مثبت و منفی جهانی شدن به عنوان متغیر مستقل و هویت قوم این قشقای به عنوان متغیر وابسته تبیین می‌گردد.

بیان مسأله و اهمیت موضوع:

موضوع جهانی شدن، در حال حاضر به صورت پارادایم مطرح است که کل حوزه‌های علوم انسانی و حوزه‌های دیگر را دربر می‌گیرد، در محافل دانشگاهی کمتر جایی است که از این فرآیند، بحثی به میان نیاید.

به این موضوع در حوزه‌های مختلف مانند فرهنگ، اقتصاد و سیاست توجه و در چارچوب این موضوع، درباره مسائل و مباحث مهمی مثل حاکمیت و امنیت ملی، تجارت و مالیه بین‌المللی، فرهنگ اقتصادی و فرهنگ سیاسی جهانی بحث شده است.

اهمیت موضوع، گستره همه جانبه آن و تأثیرات شگرفی که در ابعاد مختلف زندگی در دنیای معاصر داشته است و دارد، ایجاب می‌کند که این موضوع از جهات مختلف بررسی شود.

با عنایت به ضرورت مواجهه آگاهانه و همه جانبه در قبال فرآیند جهانی شدن و توجه به چند گونه‌ی قومی و فرهنگی در ایران، لذا کسب آمادگی عاجل و همه جانبه تخصصی در مدیریت یک جامعه چند قومی و چند فرهنگی ضرورت سامان دادن مطالعات قومی و میان فرهنگی در چارچوب ملی را برجسته می‌سازد.

یکی از جدی‌ترین و برجسته‌ترین تهدیدهای جهانی شدن، یکسان سازی سبک زندگی و الگوهای فرهنگی در جهان است. سبک زندگی هر قومیت حاصل تجربه تاریخی هزاران ساله مردمان آن قوم است که با توجه به ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی آن قوم شکل گرفته و میراث بی‌بدیلی است که از سوی دیگر فرهنگ‌ها، مورد تهدید قرار می‌گیرد. جامعه قشقای به عنوان یکی از اقوام ایرانی از این قاعده مستثنی نیست.

هدف پژوهش:

هدف این پژوهش پی بردن به تأثیرات جهانی شدن بر هویت قومی جامعه قشقای است و تلاش دارد با توجه به این که جهانی شدن پدیده‌ای است که با خود تغییرات را به همراه دارد، راهکارهای بهره‌گیری

جامعه و تأثیرپذیری حداقلی از آثار منفی جهانی شدن را مورد بررسی قرار دهد و راهکارهایی را برای تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها از طریق «مدیریت تغییر» ارائه دهد.

سؤال اصلی پژوهش:

پژوهش حاضر با تلقی هویت قومی ایل قشقایی به عنوان شکل اولیه هویت جمعی و بعد روانشناختی تعلق افراد قشقایی به باورها، انگاره‌ها، عقاید، ارزش‌ها، هنارها، آیین‌ها، آداب و رسوم، نمادها، اسطوره‌ها و نیز ویژگی‌هایی که فرهنگ جامعه قشقایی را از دیگر فرهنگ‌ها و جوامع متمایز می‌سازد و با تلقی جهانی شدن به عنوان روندی تاریخی و دگرگونی مفهومی که تغییرات و تحولاتی را در برداشت‌ها، باورها، اندیشه‌ها و سلیقه‌ها به همراه دارد و دامنه آن هویت فرهنگی را نیز فرا گرفته است، در پاسخگویی به این سؤال اصلی است که جهانی شدن چه تأثیری را بر هویت قومی جامعه قشقایی خواهد گذارد؟

فرضیه اصلی پژوهش:

در عصر جهانی شدن که دولت‌های ملی به ناچار باید هم سو با آن وظایف جدیدی را برای خود تعریف کنند و به قدرت مشاع بین‌المللی تن در دهند، از بعد اجتماعی دو حوزه عمومی جهانی و حوزه خصوصی محلی به وجود می‌آید که امکان کنش مستقیم بین‌المللی را برای نیروهای فروملی فراهم می‌سازد و این وضعیت در مورد جامعه قشقایی صدق می‌کند.

پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، به تبیین فرضیه اصلی خواهد پرداخت که در نظام جدید جهانی، هویت قومی قشقایی حفظ خواهد شد در عین حال بنا به ضرورت، سطح رویی هویت قشقایی دستخوش تغییراتی خواهد شد.

متغیرهای پژوهش:

در این پژوهش با توجه به فرضیه اصلی، روند جهانی شدن به عنوان متغیر مستقل و هویت قومی قشقایی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

مفاهیم و تعریف واژه‌ها

جهانی شدن:

دیوید هلد در کتاب مردم سالاری و نظام جهانی؛ جهانی شدن را حرکتی به سوی نوعی مردم سالاری جهان شمول می‌نگرد که در عین حال، کثرت فرهنگی و اقتصادی را نیز در بر خواهد داشت.³

از نظر نگارنده نیز جهانی شدن فرآیندی است که مکان را کوچک کرده و سرعت زیادی به زمان داده است.

هویت:

هویت وجه تمایز بین « من »، « ما » با « غیر » و دیگری است. این هویت، احساسی است که تعلق فرد به یک کشور، جامعه یا نهاد و مجموعه خاص را نشان می‌دهد. تاریخ مشترک، منافع مشترک و سرنوشت مشترک از جمله وجوه این هویت را تشکیل می‌دهد. صرف نظر از خود آگاهی آنان به این مقوله، این هویت موجب تمایز و شناسایی آنان از غیر نیز می‌شود.

قشقایی:

قشقایی مجموعه‌ای از طوایف ترک زبان و شیعه مذهب در جنوب ایران هستند، که تا یکصد سال قبل عمدتاً در حرفه دامپروری اشتغال داشته‌اند، اماد دوره معاصر، دچار تغییر و تحولات عمده‌ای شده‌اند، به طوریکه در حرفه‌های متفاوت اشتغال دارند. جمعیت آنان بالغ بر سه میلیون نفر می‌باشد.⁴

روش پژوهش:

فرآیند جمع‌آوری مواد خام و داده‌های پژوهش با استفاده از اینترنت، کتابخانه‌های کشور، تحقیقات میدانی و منابع دسته اول صورت گرفته است. نگارنده خود قشقایی می‌باشد و از نزدیک با مسائل قومی این جامعه درگیر است و در حوزه مطالعه حضور داشته و تغییر و تحولات جامعه قشقایی را از نزدیک و به طور مستقیم مشاهده نموده است. در تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

³- خلیل‌الله سردار آبادی، جهانی شدن در قلمرو سیاست و فرهنگ سیاسی، آفتاب، شماره 20، آبان 1381، ص 47.

⁴- مطابق سرشماری رسمی سال 1335 جمعیت ایل قشقایی پانصد هزار نفر اعلام شده است. با توجه به این موضوع اغلب کارشناسان و محققان که نگارنده با آنان مصاحبه داشته است، جمعیت فعلی جامعه قشقایی را سه میلیون نفر می‌دانستند.

نظریه‌های معاصر در مورد جهانی شدن:

برخلاف نظریه پردازان پیشین که معمولاً جایگاه فرعی به جهانی شدن اختصاص می‌دادند و به شیوه غیرمستقیم و با مفاهیمی متفاوت از فرآیند مورد نظر بحث می‌کردند، موضوع اصلی بحث در نظریه‌های معاصر، فرآیند جهانی شدن و پیامدهای گوناگون آن می‌باشد.

دیوید هاروی:

در نظریه «هاروی» گسست دوران مدرن با دوران سنتی به واسطه بازسازی مفهوم زمان و فضا ممکن می‌شود. بستر زندگی اجتماعی مدرن فضاهای محدود و معین محلی و زمان‌های دوری و فصلی مکانمند بود. هر گونه فعالیت و کنش اجتماعی در چارچوب چنین فضا و زمان محدود و معینی سازمان می‌یافت و بنابراین گستره روابط اجتماعی بسیار تنگ بود. در چنین شرایطی، هر واحد اجتماعی نسبتاً کوچک، جهانی مستقل و تقریباً بی‌ارتباط با محیط یا «جهان» های اطراف خود بود.

آنتونی گیدنز:

گیدنز هم مانند هاروی، فرآیند جهانی شدن را محصول برهم خوردن نظم سنتی فضا و زمان می‌داند، ولی به اندازه او بر نظام اقتصادی تأکید نمی‌کند. او معتقد است که جهانی شدن را به هیچ روی نمی‌توان پدیده‌ای صرفاً اقتصادی دانست، هر چند که شکل‌گیری یک اقتصاد جهانی، از مهمترین عناصر ویژگی بخش پدیده مورد نظر به شمار می‌آید. بر این اساس، جهانی شدن پدیده‌ای فراتر از همبستگی متقابل است. در واقع گیدنز از جمله نظریه پردازانی است که در واکنش به رهیافت تقلیل‌گرا و اقتصاد محور نظریه پردازان نظام جهانی، به ویژه والرشتاین، بر جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی فرآیند جهانی شدن تأکید می‌کنند و آن را فراتر از شکل‌گیری نظام جهانی می‌دانند.

پیچیدگی و چند جانبه بودن جهانی شدن در قدمت، شدت و فراگیر بودن آن نهفته است. از این دیدگاه، گیدنز مدعی است که جهانی شدن به اندازه تجدد قدمت دارد، هر چند که در سالهای اخیر تشدید شده است. این فرآیند به نظامهای گسترده جهانی و نیز به بسترهای محلی و شخصی تجربه اجتماعی معطوف است. نکته دیگر اینکه جهانی شدن نه به یک فرآیند بلکه ترکیب پیچیده‌ای از فرآیندهاست. به بیان دیگر، جهانی شدن، چنان آشکارترین و پیچیده‌ترین جنبه عالی‌ترین مرحله تجدد، یعنی «کنش از دور و با فاصله» که به واسطه برهم خوردن نظم و

رابطه سنتی میان فضا - زمان یا به قول گیدنز، « جدایی فضا و زمان » ممکن شد. بنابراین جهانی شدن در نظریه گیدنز، جنبه‌ای از تجدد یا ویژگی بخش پیشرفته‌ترین مرحله تجدد به شمار می‌آید.

تشریح عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و پویایی نهادهای تجدد، نقطه عزیمت گیدنز برای توصیف و تحلیل فرآیند جهانی شدن است. به نظر او جهانی شدن نتیجه گسترش طلبی و عام‌گرایی نظام اجتماعی مدرن است که آن را از نظامهای اجتماعی پیشین متمایز می‌سازد. گسترش و فراگیر شدن تجدد هم در عوامل مؤثر بر آن ریشه دارد. بازسازی زمان و فضا، بی‌بستر شدن و رفلکسیویتی، جملگی میل به جهانگیر شدن دارند و فرآیند جهانی شدن را تسهیل می‌کنند.⁵

موقعیت جغرافیایی ایل قشقایی:

قشقایی‌ها عمدتاً در جنوب ایران ساکن هستند که محدوده آنان از شمال به استان اصفهان و چهارمحال بختیاری و از جنوب به سواحل خلیج فارس و از غرب به استان خوزستان و از شرق به استان کرمان محدود می‌شود.

به طور کلی قلمرو قشقایی‌ها در ناحیه‌ای بین سواحل خلیج فارس و اصفهان قرار دارد و سلسله جبال زاگرس از میان سرزمین قشقایی‌ها می‌گذرد.

منطقه قشقایی‌ها از دیدگاه زمین‌شناسان و جغرافی‌دانان دارای ساختار پیچیده‌ای است. این پیچیدگی ناشی از بلندی‌های صعب‌العبور، کوه‌های زنجیروار، رودهای بزرگ، دشت‌ها و جلگه‌های حاصلخیز است. وجود دژهای تسخیرناپذیر و دیگر ویژگی‌های جغرافیایی باعث شده تا قبل از به وجود آمدن تکنولوژی جدید جنگ، این منطقه به سنگر غیرقابل نفوذ برای ایلاتیان و خوانین در مقابل بیگانگان و دولت مرکزی تبدیل شود.

هویت تاریخی ایل قشقایی:

با ورق زدن تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، قشقایی‌ها درمی‌یابیم که به مرور زمان تغییرات زیادی در بافت جمعیتی آنان صورت گرفته است. طوایف مختلف قشقایی با زیست مشترک با

⁵ - محمد رضا جلالی پور، چشم اندازهای جهانی، تهران، طرح نو، چاپ اول، 1384، صص 54-75.

یکدیگر صاحب هویت و میراث مشترک تاریخی شده‌اند، زیرا در کنار هم و با هم شاهد جنگ‌ها، دردها، شادی‌ها و خاطرات مشترک بوده و همین حافظه تاریخی مشترک عامل همبودی این مردم شده است.

بر طبق تحقیقات « دیوید مرسون نامه نور جلد دوم صفحه 56 » برای اولین بار نام قشقایی از نام ایلخان آن « جانی آقا » در دوره شاه عباس صفوی گرفته شده که وی از جانب شاه عباس به حکومت قبائل فارس مأمور می‌شود.

دکتر منوچهر کیانی در تحقیقاتشان با بررسی هنرها، اسطوره‌ها ادبیات و ... ایل قشقایی، خویشاوندی آنان با آذربایجان را به اثبات می‌رسانند. شباهت دستبافهای قشقایی با آذربایجانی‌ها پیوندی نزدیک بین دو جامعه را نشان می‌دهد و از نظر قیافه شناسی، پوست بدن، نشانه خویشاوندی این گروه با قفقازی‌ها است.

داستانهایی چون عاشق غریب، کرم - اصلی، کوراغلو و ... که امروزه قشقایی‌ها به طور شفاهی نقل می‌کنند همه در کتب آذربایجانی‌ها نگاشته شده است.⁶

جدایی این ایل از موطن اصلی خود ممکن است عوامل مختلفی داشته باشد که یکی از آن عوامل فشارهای سیاسی بوده، مثلاً صفویان بر سر اختلاف با ترکان در انتقال پایتخت از تبریز به اصفهان، تعدادی را سرکوب و گروهی را تبعید و عده‌ای را هم مجبور به جلائی وطن کردند. البته بایستی اذعان نمود که گروه‌های مختلف اجتماعی در دوره‌های مختلف تاریخی به ایل قشقایی پیوسته‌اند. بنابراین نمی‌توان کاملاً ادعا نمود که منشاء همه طوایف و تیره‌های قشقایی از آذربایجان می‌باشد بلکه طوایفی از قشقایی‌ها از زمان‌های بسیار دورتر از صفویان در این منطقه سکنی داشته‌اند. نوشته‌های تاریخی، آثار شعری مختلف، سنگ قبرها و ... این ادعا را اثبات می‌نماید.

قشقایی‌ها، به دلیل اینکه از انسجام ایلی برخوردار بوده‌اند و زیر نظر ایلخانان وطن دوست و شایسته اداره می‌شده‌اند، نقش مهمی در دفاع از کیان سرزمین ایران در جنگ‌های جهانی اول و دوم داشتند. آنان همچنین در انقلاب مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت، نقش شایسته‌ای را ایفا نمودند. هر چند که هنوز خدمات آنان به ایران، آن گونه که شایسته آنان باشد، شناخته نشده است.

⁶ - منوچهر کیانی، سیه چادرها، شیراز، کیان نشر، 1376، چاپ دوم، صص 151-153.

با توسعه شهرنشینی و گسترش ارتباطات در وضعیت ایلات کوچ نشین قشقایی تغییرات جدی ایجاد شده است. به طوری که در حال حاضر اکثریت قشقایی‌ها به حالت یکجانشینی درآمده‌اند و در شهرها و روستاها مستقر شده‌اند. هر چند آمار دقیقی از جمعیت قشقایی‌ها در اختیار نیست، در عین حال اغلب فعالین اجتماعی و فرهنگی این قوم، جمعیت آنان را بالغ بر سه میلیون نفر تخمین می‌زنند. آخرین سرشماری رسمی درباره جمعیت قشقایی در سال 1335 انجام شده که جمعیت آنان 500000 نفر (پانصد هزار نفر) اعلام شده است.⁷ خانم ماری ترز مردم شناس بلژیکی در سال 1330 جمعیت ایل قشقایی را 400/000 نفر (چهارصد هزار نفر) عنوان کرده است.⁸

ویژگی‌های فرهنگی ایل قشقایی:

هنگامی که واژه فرهنگ را در گفت و گوهای معمولی به کار می‌بریم اغلب فرآورده‌های متعالی، اعتقادات، آداب و رسوم، هنر، ادبیات، موسیقی، نقاشی و باورهای مذهبی به ذهن متبادر می‌شود.

مفهوم فرهنگ آنگونه که مردم شناسان و جامعه شناسان آن را به کار می‌برند، شامل فعالیت‌های مذکور و امور دیگری می‌شود. به بیان دیگر فرهنگ به شیوه زندگی اعضای یک جامعه اطلاق می‌شود و چگونگی حرف زدن، باورهای مذهبی، اعتقادات، نمادها، شیوه پوشش، آداب و رسوم ازدواج، الگوهای کار، سرگرمی‌ها و نحوه گذراندن اوقات فراغت را دربر می‌گیرد. همچنین فرهنگ شامل کالاهای مادی نظیر کارخانه، ماشین، کتاب، مسکن و ... می‌شود.⁹

فرهنگ مردم قشقایی از چهار منبع عمده تغذیه می‌شوند که عبارتند از: 1- فرهنگ بومی 2- فرهنگ دینی 3- فرهنگ چند هزار ساله ملی 4- فرهنگ و تمدن غرب

فرهنگ قشقایی با داشتن پشتوانه اساسی برخاسته از ساختار اجتماعی، تاریخی و سیاسی و شیوه معیشت و اقتصاد مردم در سه شیوه زندگی عشایری، روستایی و شهرنشینی، سرشار از آداب و رسوم، سنن، باورها، هنجارها و ارزش‌های مکتوب و نامکتوب است. تعامل این عناصر و کنار هم قرار گرفتن آنها موجب به وجود آمدن میراث مشترک فرهنگی برای ایل قشقایی شده است.

⁷ - منوچهر کیانی، ، همان، ص 210.

⁸ - ماری ترز، شهسواران کوهسار. ترجمه محمد شهباز، تهران، انتشارات پیراسته، 1374، ص 205.

⁹ - آنتونی گیدنز، مبانی جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، 1374، ص 36.

به دیگر سخن زبان، مذهب، آداب و رسوم، اعتقادات، پوشاک، رقص‌ها، ترانه‌ها و موسیقی محلی و مراسم شادی (همچون: مراسم ازدواج، عید نوروز و دیگر اعیاد ملی، مذهبی و جشن ختنه سوران و مراسم عزاداری برای مردگان) ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، نحوه غذا خوردن و سایر عناصر اصلی و تبعی فرهنگ در مجموع منجر به فرآیند انسجام مردم ایل قشقایی زیر چتر فرهنگ مشترکی تحت عنوان فرهنگ قشقایی شده است.

زبان مردم قشقایی:

زبان، نه تنها وسیله ارتباطی بین اعضای یک جامعه، بلکه یکی از مهمترین مؤلفه‌های شناسایی، گروه بندی و تعیین هویت می‌باشد. به نحوی که می‌توان نقش آن را همپای جغرافیا، تاریخ و آداب و رسوم فرهنگی در بروز تجلیات هویتی مؤثر دانست.

با این وجود نباید فراموش کرد که اولاً بین زبان و نژاد یا وضع جسمانی انسانها رابطه‌ای وجود ندارد. ثانیاً زبان امری اکتسابی و از این رو ممکن است زبان یک قوم یا یک منطقه تغییر کند. ثالثاً زبان با گذشت زمان و به تدریج تغییر می‌یابد و گذشت زمان باعث می‌شود تا شاخه‌های جدیدی از یک زبان پدید آورد.¹⁰

بنابراین می‌توان گفت تأثیر عوامل اقلیمی، تحولات تاریخی و اجتماعی، نظام فرهنگی، ساختار اقتصادی، عوامل روانی، جسمی و شخصیتی، آموزش و پرورش (اعم از رسمی و غیررسمی)، وسایل ارتباط جمعی، افکار عمومی، نخبگان، مجامع و گروه‌ها و در مجموع حاکمیت سیاسی در تغییر و دگرگونی زبان و گویش حائز اهمیت جدی است.

زبان مردم قشقایی ترکی است. زبان ترکی یکی از قانون‌مندترین و با قاعده‌ترین و توانمندترین زبان‌های دنیاست. امروزه همه زبان‌شناسان دنیا معتقدند که زبان در طول قرن‌ها و هزاره‌ها در درون جوامع طبق قوانین خاصی پا به میدان می‌گذارد، شکل می‌گیرد و اجزاء مختلف کلام مثل اسم، فعل، صفت و ... تکامل می‌یابد و می‌دانیم که هر زبانی ضمن داشتن قواعد ثابت، خود دارای استثناهایی نیز می‌باشد. از جمله زبانهای عربی، فارسی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ... پر از افعالی است که در زمانهای مختلف دارای استثناها و تغییرات عمده‌ای می‌باشد. اما در زبان قشقایی (ترکی) حدود 24000 فعل وجود دارد که در

¹⁰ - سکندر امان الهی بهاروند، قوم لر و پراکندگی آن، تهران، نشر آگاه، 1370، ص 47.

صرف آنها در زمانهای مختلف و مشتقات آنها حتی یک استثناء هم وجود ندارد و ریشه فعل همیشه ثابت و غیرقابل تغییر است.¹¹

زبان ترکی قشقایی در استانهای فارس، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، چهارمحال بختیاری، کرمان، خوزستان و ... کاربرد دارد. با توجه به فارس بودن اغلب افراد در استانهای ذکر شده، زبان ترکی قشقایی به عنوان یک شاخص مهم هویتی عمل می‌نماید و قشقایها با تکلم به زبان ترکی، هویت خود را از دیگران متمایز می‌نمایند.

برخی آداب و رسوم ایل قشقایی:

قوم قشقایی، همانند سایر اقوام دارای آداب و سنت‌های دیرینه‌ای هستند که علی‌رغم تهاجم و فشارهایی که از سوی بیگانگان در محو این سنت‌ها صورت گرفته، همواره این آداب و سنت‌ها، به عنوان یکی از عوامل قوام قشقایی‌ها عمل کرده است. قشقایی‌ها دارای ویژگی‌های اخلاقی برجسته هستند که از جمله این ویژگی‌ها، شجاعت، پایدردی، ساده دلی و پاک طینتی آنهاست. جنگجویی و سلحشوری یکی از خصوصیات اخلاقی بارز قشقایی‌ها است.

این قواعد را افراد از جامعه‌ی خود فرا می‌گیرند، زیرا از هنگام کودکی آن آداب را می‌بینند و چون همگان بدان عمل می‌کنند، نوعی عدم اختیار در فراگیری آن دارند.

ازدواج در ایل قشقایی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. همکاری صمیمانه زن با همسر خود از لحظه ازدواج تا دم مرگ در امور مختلف زندگی به ویژه نقش زن در تولید و کارکرد اقتصادی خانواده و همچنین ایجاد پیوندهای مستحکم فامیلی و در نتیجه ایجاد تعاون در روابط اجتماعی باعث اهمیت‌گزینش او می‌شود.

در ایل قشقایی، ازدواج تک همسری است و در صورتی که مردی چند همسر اختیار نماید، توسط جامعه طرد می‌شود و افراد ایل، این عمل را ناپسند می‌پندارند. آمار طلاق در ایل قشقایی بسیار پایین و ناچیز است به طوری که ممکن است در یک طایفه در طول سالیان دراز، طلاقی اتفاق نیفتد.

¹¹ - اسداله مردانی، زبان ترکی قشقایی و شیوه نگارش آن، شیراز، نشر راهگشا، 1380، ص 49.

قشقای‌ها عیدها و مراسم‌های ملی و مذهبی زیادی دارند که برخی از آنها عبارتند از: جشن عید نوروز، جشن سیزده بدر، جشن چله به در (چهل روز بعد از گذشت فصل زمستان)، مراسم طلب باران (کوسه گلین)، مراسم ختنه سوران، مراسم عید قربان و...

اجاق، بازمانده فرهنگی باستانی در ایل قشقای است و از احترام خاصی در بین افراد برخوردار است. به اجاق ایلخان، کلاتران، کدخدایان، و ریش سفیدان احترام زیادی قائلند. نوعروسان هنگام خروج از خانه پدر، سه بار به گرد اجاق می‌چرخند و مقداری از خاکسترش را همراه با نان خانه پدر به کمر می‌بندند.¹²

دیدگاه‌ها نسبت به قومیت‌ها:

بسیاری معتقدند که جریانهای قومی، باید راه را برای هویت‌های مدنی گسترده‌تر در جوامع لیبرال دمکراتیک بگشایند و جای خود را به آنها بدهند. «رایموند برتون» معتقد است که این امر در حال حاضر در جوامع انگلیسی و فرانسه زبان کانادا - البته به درجات متفاوت - در حال تحقق است. از نظر او، حتی هویت‌های قومی - زبانی نیرومند کبکی‌ها احتمالاً به واسطه صنعتی شدن، سکولاریزاسیون و ازدواجهای بین قومی، از میان خواهد رفت.¹³

«اریک هابزبام» اطمینان بیشتری به از میان رفتن قومیت و ناسیونالیسم دارد. از نظر او، احیای قومی پدیده‌ای موقت و واکنشی است که با بنیادگرایی ارتباط دارد و فاقد اخلاق فراگیر و بنیانهای عملی است. بر اساس باور «اریک هابزبام» در جهانی با تحولات سریع، قومیت هیچ مسیری را به انسانها نمی‌نمایاند.¹⁴

هابزبام معتقد است آنچه که باعث گرایش حرکت‌های بنیادگرایانه به سمت ناسیونالیسم می‌شود، ابهامی است که در درون ناسیونالیسم وجود دارد. بنیادگرایان، برای رهایی از پاسخگویی صریح و شفاف و قابل

¹² - منوچهر کیانی، همان، ص 306.

¹³ - Raymond Breton, "From Ethnic to Civic Nationalism" *Ethnic and Racial Studies*, I (1988), PP.93-102.

¹⁴ - علی مرشدی زاده، بقا یا زوال قومیتها و عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره 6، زمستان 1379، ص 208.

پذیرش کردن مواضع خود، به ناسیونالیسم و قومیت تمسک می‌جویند و به همین دلیل است که ملی‌گرایی‌های قومی جدید، معمولاً با دین همراه می‌شوند. او به عنوان نمونه، از مسیحان ارمنی در ارمنستان، ترک‌های مسلمان در جمهوری آذربایجان یاد می‌کند. افزون بر این، قومیت توان بسیج بالایی دارد و می‌توان از نمادها و اسطوره‌های قومی و ملی، برای بسیج انسان‌هایی به ندرت تحت تأثیر بنیادگرایی به حرکت درمی‌آیند، استفاده کرد. به اعتماد هابزبام، این تمسک به قومیت و ناسیونالیسم که تحت تأثیر بنیادگرایی ظهور یافته است همانند خود بنیادگرایی، امری گذرا و موقتی خواهد بود و در عصر جدید، ناسیونالیسم و قومیت حرفی برای گفتن ندارند.¹⁵

ملوچی معتقد است که طی مرحله سرمایه‌داری صنعتی، ارتباط تنگاتنگی میان موقعیت گروه‌های مختلف در روابط تولید و فرهنگ وجود دارد. این فرهنگ‌ها مشخصاً «فرهنگ‌های طبقاتی» بودند. گروه‌های فرودست، به گونه‌ای متعارض، از استقلال ویژه‌ای برخوردار بودند؛ آنان می‌توانستند شکل دلخواه جدیدی از ارتباطات را به وجود آورند که به لحاظ کیفی، با فرهنگ مسلط تفاوت داشت.

«کوزاکو یوشینو» با بررسی جامعه ژاپن، معتقد است که جهانی شدن، هویتها و تفاوت‌های قومی را تقویت کرده است. در ژاپن، نخبگان تجاری که مصرف‌کنندگان عمده ادبیات ژاپن در باب بی‌همتایی قومی - فرهنگی هستند، ناخواسته حتی در هنگامی که درگیر مسائل تجاری بین‌المللی هستند «نوع نموده‌های» ملی را تقویت می‌کنند.

در «عصر بین‌المللی شدن» - بنا به گفته ژاپنی‌ها - که در آن آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی و نیز دانستن زبان انگلیسی ضروری قلمداد می‌شود، نوعی از آموزش که مطالعات زبانی و بحث درباره تفاوت‌های فرهنگی را در هم می‌آمیزد، رواج پیدا می‌کند.

آن چه که در مورد نخبگان تجاری ژاپن که به بی‌همتایی الگوهای ارتباطات ژاپنی تأکید می‌ورزند، جالب است این هست که این نخبگان در نوعی فضای فکری پرورش یافته‌اند که بر کاهش کج‌فهمی‌های بین فرهنگی میان ژاپنی‌ها و غیر ژاپنی‌ها تأکید دارند.¹⁶ این توجه به فرهنگ در شرکت‌های مختلف بروز و

¹⁵ - مرشدی زاده، همان، ص 208.

¹⁶ - Kosaku Yoshino, Cultural Nationalism In Contemporary Japan: A Sociological Enquiry, London, Routledge, 1992, PP. 37-8.

ظهور یافته است و شرکتهای تولیدی مانند میتسوبیشی در شعارها و تبلیغات خود، ضمن تأکید بر فرهنگ و هویت ژاپنی، می‌کوشند راه را برای ارتباطات بین‌المللی بهتر تقویت کنند.

آثار مثبت جهانی شدن بر هویت قومی:

فرآیند جهانی شدن موجب گسترش امکانات حمل و نقل و ارتباطات، اطلاع‌رسانی، مخابرات و مسافرت‌ها در سراسر جهان، گسترش روز افزون فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی مانند کتابخانه الکترونیکی، دانشگاه‌های مجازی، پست الکترونیکی و گروه‌های خبری، افزایش امکان استفاده از منابع محاسباتی و اطلاعات میزبان‌های از راه دور، فراگیر شدن شبکه‌های اطلاع‌رسانی و وسایل ارتباط جمعی و وقوع پیشرفت‌های اساسی در شبکه‌های رایانه‌ای شده است که استفاده از منابع و اطلاعات را در اقصی نقاط جهان سهل و ممکن می‌سازد و به ارتقای دانش بشری و تفاهم انبای بشر کمک و مساعدت می‌کند.

از این منظر، فرآیند جهانی شدن موجب ادغام مردم جهان در درون یک جامعه واحد جهانی و ارتقای همبستگی و پیوستگی آنان می‌گردد و با نزدیک کردن افراد و جوامع بشری به یکدیگر، تشدید و تقویت روابط فرهنگی در ورای مرزها را موجب خواهد شد.¹⁷

از این روست که به جای خلوص فرهنگی، سلطه فرهنگی یا تضعیف فرهنگ‌ها، باید سخن از فرسایش فرهنگ‌ها به میان آورد که نوعی الگوی تعامل را که از هم جوشی فرهنگ‌ها پدید آمده به ارمغان می‌آورد. چنین رابطه دیالکتیکی بین غیریت و هویت موجب میل هویت‌های قومی به شناخت و اقتباس از یکدیگر می‌شود و همزمان حاکمیت هنجارهای بشری را سبب می‌گردد.

لذا دیدگاه تطابق با جهان در عین حفظ هویت، فرهنگ‌ها را به جهانی فکر کردن و به جامعه جهانی اندیشیدن سوق می‌دهد و با اعتقاد به اینکه انزوایابی و درونگرایی فرهنگی موجب بالا بردن انسان‌گرایی می‌شود، آنها را از حالت تنگ و متعصب نژادی و قومی خارج می‌سازد.¹⁸ گشودگی فرهنگی در مقابل ایده‌های دیگر و تمایل هویت‌های ملی به جذب و اقتباس از یکدیگر با پذیرش تکثر معنای پویای جهانی، موجبات بالندگی فرهنگی ملت‌ها را فراهم می‌نماید و حیطة انتخاب بشر را از سطح قومی و ملی

¹⁷ - آلون تافلر، جابه‌جایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، چاپ دوم، تهران، بی‌نا، 1370، ص 80.

¹⁸ - دیوید هاروی، جهانی شدن جدید سرمایه‌داری و جهان سوم، ترجمه و پژوهش وحید کیوان، تهران، نشر مؤسسه، 1376، ص 31.

به سطح جهانی گسترش می‌دهد. از نظر دیگر در فرآیند جهانی شدن گرچه مرزها و هویت‌های ملی کم رنگ می‌شود اما هویت‌های فرهنگی وابسته به مکان و محله‌گرایی ارزش بیشتری پیدا می‌کنند.

آثار منفی جهانی شدن بر هویت قومی:

از دیدگاه نظریه پردازان بدبین، پدیده جهانی شدن افاده ایدئولوژی هژمونیک غرب را می‌کند که بر ایدئولوژی نئولیبرالیسم، رویکرد سکولار مبتنی است.

جهانی شدن از دیدگاه محمد شعبان به استیلای اقویاء و انقیاد ضعفا منجر خواهد شد و الگویی لیبرالیستی را در ابعاد اجتماعی - فرهنگی به ملت‌های جهان سوم تحمیل خواهد کرد. از نظر والرشتاین، جهانی شدن فرهنگی به معنای سیطره فرهنگ غرب بر دیگر فرهنگ‌هاست که با دوگانگی فرهنگی در جنوب منجر خواهد شد.¹⁹

عناصر تشکیل دهنده و سازنده هویت قومی ایل قشقایی:

اگر جامعه قشقایی از خود تعریف و برداشت کلی داشته باشد و بتواند هویت خود را مورد شناسایی قرار دهد، آنگاه تک تک افراد قشقایی اعتماد به نفس پیدا می‌کنند و جهت و هدف خود را نیز مشخص می‌کنند.

در غیر این صورت جامعه‌ای از هم گسیخته، نامنسجم، از خود بیگانه و با خود ستیز خواهند بود و در نهایت و به ناچار حاشیه‌ای و مصرف کننده فرهنگ دیگران تبدیل خواهند شد و قادر نخواهند بود نقش فعالی در حوزه‌های مختلف اجتماعی ایفا نمایند.

هر گاه، ما قشقایی‌ها در برابر فرهنگ‌های دیگر، تصویری از فرهنگ خود عرضه کنیم، در حقیقت منابع هویت ساز خود را نیز معرفی می‌کنیم. اگر به تعبیر دکتر فرهنگ رجایی هویت را به نمونه و الگو رودخانه تشبیه کنیم که در بستر زمان و مکان جاری است و در عین حال از تحول برخوردار است و از طرفی بسته به زمان و فصل سال قوت، سرعت و میزان آب رودخانه کم و زیاد می‌گردد²⁰ بایستی اذعان نمود

¹⁹ - به نقل از: دهشیری محمدرضا، جهانی شدن و هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم شماره 5، پاییز 1379، ص 83.

²⁰ - فرهنگ رجایی، مشکله هویت ایرانیان امروز، تهران، نشر نی، چاپ چهارم، 1386، ص 67.

که منابع مختلف تشکیل دهنده هویت قوم قشقایی عبارتند از: 1- زبان ترکی قشقایی 2- سنت 3- ایران 4- دین 5- مدرنیته

جهانی شدن و شناخت قشقایی‌ها از خویشتن:

جهانی شدن می‌تواند، قشقایی‌ها را برای شناخت خود برانگیخته نماید و آنها با بهره‌گیری از روشهای تجربی و تاریخی، کیستی و چیستی خودشان را کشف نمایند و همچنین در گسترش زاویه دیدشان در شناخت از خویشتن تأثیر مثبت اعمال نماید.

از طرف دیگر جهانی شدن می‌تواند منجر به «از خود بیگانگی» قشقایی‌ها گردد و این در شرایطی اتفاق می‌افتد که قشقایی‌ها خودشان را با معیارها و ملاک‌های دیگری ارزیابی کنند به طور مثال به جای اینکه به دنبال کنکاش تاریخی بروند و در مورد چیستی و کیستی خودشان بررسی نمایند، خودشان را از چشم بیگانه بشناسند.

صفتی را که دیگران به ما نسبت می‌دهند، به عنوان صفات خویش بپذیرند و این امر نهایتاً به فاصله گرفتن از هویت واقعی مان می‌انجامد. استفاده بی - محابا و حساب نشده از این روش ممکن است ما را گرفتار «از خود بیگانگی» کند چرا که در صورت اشتباه بودن این ملاک‌ها، دآوری ما نیز پیرامون هویتمان با خطا و کاستی مواجه خواهد شد.

چنان که اشاره شد، جهانی شدن فرآیندی ناظر بر گسترش جهانی ارتباطات پدیده‌های مختلف، از جمله موضوعات فرهنگی است. حال اگر بخواهیم ارتباط این فرآیند را با مقوله هویت از این نقطه نظر مورد مطالعه قرار دهیم، به آسانی می‌توان استنباط کرد که هویت نیز از زمره پدیده‌هایی است که در پرتو جهانی شدن در یک شبکه ارتباطی جهانی قرار می‌گیرد و بر اثر این فعل و انفعالات، تصور ما از خویشتن دچار دگرگونی می‌شود.

در حالی که جامعه قشقایی در دوره قبل از جهانی شدن، به خاطر محدودیت ارتباطات، صرفاً به منابعی رجوع می‌کرد که زاییده مناطق نزدیک خودش بود.

حال می‌توان وضعیتی را در نظر گرفت که هویت قشقایی از منبع الف و منبع ب که در پیرامونش هستند، تأثیر می‌پذیرد و جامعه قشقایی با این دو منبع خویشتن خود را تعریف می‌کند و در این وضعیت

وارد دوره جهانی شدن می‌شود. جهانی شدن برای جامعه قشقایی منابع دیگری را می‌شناساند. در صورتی که این تعریف در جلب نظر افراد قشقایی موفق‌تر از دو منبع پیشین عمل کند، منابع جدید جایگزین منابع سابق خواهند شد و از این طریق تصویری از خویش‌دگرگون می‌شود.

نتیجه‌گیری:

این پژوهش حاصل مطالعات و مشاهدات میدانی نگارنده است که از طریق سفر به مناطق مختلف ایل قشقایی و گفت‌گو با مردم و نخبگان محلی اطلاعات آن را جمع‌آوری و تدوین نموده است. بومی بودن نویسنده و آشنایی کامل با فرهنگ و آداب و رسوم مردم قشقایی زمینه مناسبی برای تحلیل همه‌جانبه موضوع جهانی شدن و هویت قومی ایل قشقایی فراهم ساخته است. حاصل تلاش این پژوهش را می‌توان در نکات ذیل عرضه نمود:

- جهانی شدن یک فرآیند واقعی است و به معنای تعامل و نزدیکی بیشتر کشورها، ملت‌ها و فرهنگ‌ها می‌باشد و از دل این نزدیکی تبعات و نتایج بسیاری متوجه تمام افراد جهانی خواهد شد.

- جامعه قشقایی نیز همانند سایر اقوام با پدیده جهانی شدن مواجه است، اگر جهانی شدن برخی از عناصر مهم هویتی قشقایی، مانند زبان ترکی، سنت قشقایی و ... را از بین ببرد، نگارنده معتقد است که هویت قشقایی دچار اضمحلال می‌شود. آنچه که نگارنده در تعامل و ارتباط با مردم قشقایی مشاهده نمود، این بود که عناصر مهم هویتی آنان از جایگاه بالایی برخوردار است. به طور مثال، تقریباً همه قشقایی‌ها با فرزندانشان به زبان مادری صحبت می‌کنند، در عین حال زبان رسمی کشور - فارسی - را به آنان یاد می‌دهند. گروه‌های موسیقی بسیار قوی، با استفاده از ترکیب سازهای سنتی و مدرن، آهنگهای زیبایی را به زبان ترکی اجرا می‌نمایند که بسیار مورد استقبال مردم قرار می‌گیرند.

همه افراد به خصوص زنان، در مراسم عروسی و جشن‌ها، از لباس سنتی استفاده می‌کنند و این سنت‌ها همانند گذشته البته با تغییرات رویی که جوهره آن همان سنت‌های اصیل گذشته است، برگزار می‌گردد. ارتباط افراد قشقایی با یکدیگر، حتی در فاصله‌های جغرافیایی زیاد، به دلیل گسترش امکانات حمل و نقل بیشتر شده است و متعاقب آن ازدواج بین طوایفی بسیار بیشتر از گذشته صورت می‌گیرد و این موضوع باعث افزایش همبستگی آنان در مکانهای مختلف را فراهم می‌آورد.

فرهنگ قشقایی در آن سوی مرزها هم اشاعه داده می‌شود، به طور مثال رستورانی در دوبی به نام - رستوران قشقایی - وجود دارد که غذاهای مخصوص قشقایی مانند بوز قورمه، لای پلو و ... در آن سرو می‌شود و جهانگردان و ساکنان بومی با قومیت قشقایی آشنا می‌شوند. شرکت نیسان در ژاپن ماشینی به نام قشقایی تولید کرده و به بازارهای جهانی ارائه می‌دهد. در کاتالوگ آن گفته می‌شود، قشقایی‌ها قومی هستند که در جنوب ایران زندگی می‌کنند و در سال هزار کیلومتر کوچ می‌کنند و مردمان بسیار سخت کوش هستند.

پیشنهادات:

- برای مقابله با تبعات منفی جهانی شدن، شایسته است جامعه قشقایی به تقویت باورها و ارزش‌های بومی و اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین عامل مقاومت در مقابل تبعات منفی جهانی شدن بپردازد.

- خودآگاهی فرهنگی هم زمان با خود باوری و اتکا به نیروها و اندیشه خودی و فرهنگ قشقایی می‌تواند اعتماد به نفس را در بین افراد قشقایی برای مقابله با چالش فرهنگی غرب فزونی بخشد.

- در برخورد با فرآیند جهانی شدن، جامعه قشقایی نباید برخوردی ناشی از ترس داشته باشد که هویت قومی آنان در این فرآیند دچار اضمحلال خواهد شد. بلکه باید به طور فعال و خود انگیخته با جهانی شدن روبرو شود.

- جامعه قشقایی برای روبه رو شدن با جهانی شدن بایستی دو عمل را انجام دهد: الف) شناخت ب) عمل

یعنی باید در ابتدا خودمان را بشناسیم که این شناخت دو معنا دارد:

یکی شناخت اجزاء و ارکان تشکیل دهنده کلیت هویت قشقایی و دیگری شناخت دیگرانی است که ما خود را در مقابل آنها تعریف می‌کنیم.

در مرحله عمل بایستی بتوانیم بهترین استراتژی را برای حفظ و نگهداشت هویت قشقایی اجرا نماییم.

- جامعه قشقایی برای اینکه در فرآیند جهانی شدن بتواند همانند گذشته نقش شایسته‌ای را ایفا نماید
بایستی جنبه‌های مهمی از پنج مقوله هویت ساز خود (زبان ترکی قشقایی - سنت - ایران - دین -
مدرنیته) را به خدمت بگیرد و با اراده‌ای استوار در عرصه جهانی شدن ظاهر شود.

- برای شناختن فرصت یا تهدیدآمیز بودن فرآیند جهانی شدن برای هویت قومی قشقایی، از همان مدلی
که سلسله مراتب منابع هویت، از میزان امتیاز آنها در چهار عرصه (1- قوت نظری 2- کشش احساسی و
عاطفی 3- پیوند با اعتقادات 4- پیوند با مناسبات قدرت) تبعیت می‌کنند، می‌توان استفاده نمود.

هر گاه این جاذبه به خاطر امتیازات موجه باشد، باید آن را فرصت تلقی نمود و از تحول مترتب بر آن
استقبال کرد و در غیر این صورت باید از تهدید آمیز بودن آن احتیاط نمود.

با تکیه بر مراتب فوق، شاید بتوان تا حد زیادی در استفاده از فرصت‌ها و آسودگی از تهدیدات جهانی
شدن بر علیه هویت قشقایی موفق عمل کرد.

منابع فارسی:

آلویین.ی.س، **تغییر اجتماعی و توسعه**، ترجمه محمود مظاهری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1378.

آموزگار، ژاله. تفضلی، احمد. **اسطوره زندگی زرتشت**، تهران، کتابسرای بابل، 1370.

احمدی، بابک. **مدرنیته و اندیشه انتقادی**، تهران، نشر مرکز، 1373.

اسلامی ندوشن، محمدعلی. **ایران لوک پیر**، تهران، انتشارات پرواز، 1370.

اسمیت، آنتونی. دی، **ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ**، ترجمه منصور انصاری، تهران، تمدن ایرانی، 1383.

اشرف، احمد. **هویت ایرانی در « ایرانیان خارج از کشور »** جلد دوم، سنت و تجدید به کوشش اکبر گنجی.

امان الهی بهاروند، سکندر. **قوم لر و پراکندگی آن**، تهران، نشر آگاه، 1370.

اوحدی، مسعود. « **رسانه‌ها و جهانی شدن فرهنگ** »، کتاب سروش، مجموعه مقالات 2. رسانه‌ها و فرهنگ، تهران، سروش،

1376.

اومستد، ات. **تاریخ شاهنشاهی هخامنشی**، ترجمه دکتر محمد مقدم، تهران، امیرکبیر، 1357.

برتون، دولان، **قوم شناسی سیاسی**، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نشر نی، 1380.

برگر، پیتر. هانتینگتون، ساموئل. **چند جهانی شدن**، ترجمه علی کمالی، لادن کیانمهر، تهران، روزنه، 1383.

- بزرگی، وحید. « دیدگاه‌های جدید در روابط بین‌الملل ». تهران، نشر نی، 1377.
- تارو، لستر. **برندگان و بازندگان جهانی شدن**، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، علمی و فرهنگی، 1386.
- تافلر، آلوین. **جابه جایی در قدرت**، ترجمه شهیندخت خوارزمی، چاپ دوم، تهران، بی نا، 1370.
- جلایی پور، محمدرضا. **چشم اندازه‌های جهانی**، تهران، طرح نو، چاپ اول، 1384.
- دیوتیاک، ریچارد. دردیان، جیمز. **نظریه انتقادی پست مدرنیسم و نظریه هنجاری در روابط بین‌الملل**، ترجمه حسین سلیمی، تهران، گام نو، 1380.
- رجایی، فرهنگ. **مشکله هویت ایرانیان امروز**، تهران، نشر نی، چاپ چهارم، 1386.
- رشیدیان، عبدالکریم. مقدمه مترجم بر کتاب: ایمانوئل کانت، نقد قوه حکم، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی، 1377.
- رکن زاده، آدمیت. محمدحسین، **فارس و جنگ بین‌الملل**، تهران، اقبال، چاپ ششم، 1383.
- روشه، گی. **کنش اجتماعی**، ترجمه هما زنجانی زاده، چاپ دوم 1370، مشهد، دانشگاه فردوس.
- سردار آبادی، خلیل‌اله. **جهانی شدن در قلمرو سیاست و فرهنگ سیاسی**، آفتاب، شماره 20، آبان 1381.
- شولت، یان آرت. **نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن**، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، 1382.
- طباطبایی، سید محمدحسین. **تفسیر المیزان**، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، جلد هیجدهم.
- غرایاق زندی، داود. **نهادهای مدنی و هویت در ایران**، تهران، تمدن ایرانی، 1385.
- فوکو، میشل. « **سوژه و قدرت** » در هیوبرت دریفوس و بل رابینو در: میشل فوکو: فراسوی، ساختارگرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی، 1376.
- فوکویاما، فرانسیس. **پایان تاریخ**، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان، 1379.
- قرآن کریم**، سوره حجرات، آیه 13.
- قریش، فردین. « **جهانی شدن و تحول در تصور ما از خویشتن** » فصل نامه مطالعات ملی شماره 11، بهار 1381.
- قمری، داریوش. **همبستگی ملی در ایران**، تهران، تمدن ایرانی، 1384.
- کرین، هنری و دیگران. **روح ایرانی**. با مقدمه داریوش شایگان، ترجمه محمود بهفروزی، تهران، نشر پند نامک.
- کوزر، ل. (1369) **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
- کیانی، منوچهر. « **سیه چادرها** »، شیراز، کیان نشر، 1376، چاپ دوم.

کیت نش، **جامعه شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن**، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر، 1380.

گاوآتی، جاگدیش ناتوار لعل بها. **دفاع از جهان شدن**، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، علمی و فرهنگی، 1384.

گودرزی، حسین. **مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی**، تهران، تمدن ایرانی، 1385.

گیدنز، آنتونی. **چشم اندازهای جهانی**، ترجمه محمدرضا جلالی پور، تهران، طرح نو، چاپ دوم، 1384.

— — — **« گذر به جامعه مدرن »**، ترجمه رضا استاد رحیمی، همشهری 8 مرداد، 1377.

— — — **مبانی جامعه شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، 1374.

مردانی، اسداله. **قشقایی سوزلوگو**، قم، انتشارات انصاری، 1386.

— — — **زبان ترکی قشقایی و شیوه نگارش آن**، شیراز، نشر راهگشا، 1380.

میلر، دیوید. **ملیت**، ترجمه داود غرایق زندی، تهران، تمدن ایرانی، 1383.

نهبوندیان، محمد. **گفتارهایی در باب جهانی شدن**، تهران، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، 1385.

— — — **متن پیشنهادی سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی ایران در خصوص جهانی شدن**، تهران، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، 1386.

نیاکوئی، امیر. **جهانی شدن و توسعه با نگاهی به ایران**، تهران، کتاب دانشجو، 1386.

واترز، مالکوم. **جهانی شدن**، اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی (تهران، سازمان مدیریت صنعتی، 1379).

والرشتاین، امانوئل. **سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی**، ترجمه پیروز ایزدی، تهران، نشر نی، 1377.

هابرماس، یورگن. **جهانی شدن و آینده دموکراسی**، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر مرکز، 1380.

هاروی، دیوید. **جهانی شدن جدید سرمایه داری و جهان سوم**، ترجمه و پژوهش وحید کیوان، تهران، نشر مؤسسه، 1376.

هانتینگتون، ساموئل. **نظریه برخورد تمدن‌ها**، هانتینگتون و منتقدانش، ویراسته مجتبی امیری، تهران، بی تا، 1374.

همتی، ماندانا. **« زبان و هویت فرهنگی »**، در: **بهروز گرانپایه**، مجموعه فرهنگ و جامعه، شماره 1، 1378.

هنرز الف، **« جهان و طناب و بومیان در فرهنگ جهانی »**، ترجمه هومن پناهنده، رسانه‌ها و فرهنگ، کتاب سروش، مجموعه مقالات (2)، رسانه‌ها فرهنگ تهران، سروش، 1376.

مقالات :

احمدی، حمید. **« هویت قومی یا هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم شماره 11، بهار 1381.**

اطهری مریان، حسن. تبادل فرهنگی، نسبت مدرنیته، پست مدرنیته، فصلنامه مطالعات ملی شماره 6، زمستان 1379.

بشیری، حسین. (مصاحبه با) روزنامه ایران، سال هفتم، شماره 1919، چهارشنبه 1380/7/4.

دهشیری محمدرضا، جهانی شدن و هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم شماره 5، پاییز 1379. روزنا، جیمز. پیچیدگی‌ها و تناقض‌های جهانی شدن، ترجمه احمد صادقی، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره 4، زمستان 1378.

سروش، عبدالکریم (منتشر نشده)، روش نقد اندیشه (مجموعه سخنرانی)، برای ملاحظه این مجموعه ر.ک به مؤسسه صراط.

قربانی‌شیرین، ارسلان، نظام جهانی؛ جهانی شدن فرهنگ، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، خرداد تیر 1382، شماره 190 - 189، صص 172 - 177

کیانی، داوود. فرهنگ جهانی؛ اسطوره یا واقعیت، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره 10، زمستان 1380.

گل محمدی، احمد. فرهنگ، تهاجم، تبادل، تحول. فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره 6، زمستان 1379.

— — — «نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن»، مطالعات ملی، سال سوم، ش 11، بهار 1381.

مارک ویلیامز، «تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت»، اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال 14، شماره 155-156، مرداد و شهریور 1379.

میرمحمدی، داوود. «جهانی شدن، ابعاد و رویکردها»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره 11، بهار 1381.

مرشدی زاده، علی. بقا یا زوال قومیتها و عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره 6، زمستان 1379.

حاجیانی، ابراهیم. «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره 5، پاییز 1379.

منابع لاتین:

Ectal, Steven Castles. Mistaken Identity, sydeny, plutopress, 1992.

Foucault, M. The History of Sexuality: an Introduction, Trans, R.Hurley, Pengain. Harmonds worth, 1984.

— — — . "Truth and Power", in C. Gordon (eds) power / knowledge: selected Interviews and other writing 1972-1977, Horvester: Brighton, 1980.

- Giddens. A₃ (1998) *The Third way*, Cambridge, Polity Press.
- Hannerz, U. *Cultural Complexity*, New York, Columbia University Press, 1992.
- Harvey.D₃ (1989), *The condition of Postmodernity*, Oxford, Black Well.
- Hayness, J. *Religion, Globalization and Political Culture in the Third World*, London, Guildhall University, 1998.
- Holton. R₃ (1998), *Globalizatin and the Nation-State*, London, NC Millan..
- Lash, S. and J. Urry (1994), *Economies of Sings and Space*, London, Sage.
- Lyotard. J₃ *The Post Modern Condition: a Report on knowledge*, Manchester, Manchester University Press, 1979.
- MC, Grew. Anthonyced, "The transformation of democracy, globalization nd territorial democracy, Cambridge, polity press.
- Pieterse. J, "Globalization asHybridization", in F. Lechner and K.Boli, *The globalization Reader*, oxford, Blackwell, 2000.
- Ritzer. C, *The Macdunaldization of Society*, California, New Buary Park, Pine fortage Press, 1993.
- Sklair, (1998). "Globalization, the Word System, and Democracy promotion" in *U.S. Foreign Policy, theory and Society*.
- Tomlison J, "Globalization Culture: The Triumph of the West? In T. Skelton and t. Allen (ed.) *Culture and Global Change*, London , Routledge, 1999.
- Wallerstein, I. (1983) *Historical Capitalism*, London, Verso.
- Waters, M. (1995), *Golbalization*, London, Routlege.
- Yoshino Kosaku, *cultural Nationalism In Contemporary Japan: A*